گذری بر کتاب «کارما» نوشته سادگورو

روایت مشرکانه سادگورو

مهدی نعمتی
پژوهشگر معنویت‌های نوپدید

نیافتن معنا در زندگی و عواملی مشابه، همراه با شعارهایی نظیر «مرگ خدا» و «بی‌معنایی دین» که اغلب از سوی متفکرانی مانند نیچه، راسل، سارتر، فلو و سادگورو مطرح می‌شد و می‌شود، سبب شد انسان خسته از پوچی زندگی به جست‌وجوی معنا بازگردد. این بازگشت به معنویت و اعتقاد به حیات پس از مرگ، زمینه‌ساز موجی جدید از معنویت‌گرایی شد که با سرعتی چشمگیر جهان را فراگرفت. آنچه توصیف شد، سرگذشت انسان دور از دین و شریعت است؛ موجودی که به‌دلیل ناتوانی در درک حقیقت، به افسانه‌ها روی آورده و معنویت آسمانی را تا حد ساده‌ترین اعمال زمینی تنزل داده است. جاگی واسودو که بیشتر با نام سادگورو شناخته می‌شود، یوگی، عارف هندی و نویسنده کتاب «کارما» است که موضوع نقد و بررسی ما در این نوشتار قرار گرفته.

شریعت‌گریزی و پیروی از تجربه شخصی

«جاگی واسادو» (معروف به سادگورو) در کتاب خود با عنوان کارما اشاره می‌کند: «سادگورو به معنای معلم بی‌سواد است؛ کسی که نه براساس اطلاعات متون مقدس، بلکه براساس علم درونی لحظه به لحظه خود سخن می‌گوید. بنابراین من از روی تجربه حرف می‌زنم نه با تاکید بر دانشی که نه.» (کارما، سادگورو، ص ۱۷) ولی در عرفان اسلامی، رعایت و عمل دقیق به شریعت، شرط اصلی برای دستیابی به حقیقت دانسته شده است. در این دیدگاه، هرگونه تخلف یا چشم‌پوشی از فرمان‌های شریعت، شخص را از حقیقت الهی محروم می‌سازد و ما در اندیشه سادگورو پیروی از متون مقدس و شریعت نفی می‌شود.

در جای دیگر سادگورو علت اشتیاق جوانان به اندیشه‌هایش را عدم نقل‌قول از کتاب‌های آسمانی و متون مقدس می‌داند. «جوانان زیادی نزد من می‌آیند و با من مثل هم‌عصران خود یا حتی دوست صمیمی‌شان رفتار می‌کنند. من را سادگورو صدا می‌زنند اما نه از سر احترام غیرصمیمی بلکه از سر انس و علاقه. اگر صحبت‌های من نقل‌قول‌هایی از کتاب مقدس بودند، چنین دوستی و محبتی غیرممکن می‌شد.» (سادگورو، کارما، ص ۸۸) جاگی واسادو نسبت به متون مقدس ادیان که تعالیم وحیانی را ارائه می‌دهند، بی‌اعتناست و از اطلاعات برگرفته از آنها فاصله می‌گیرد، (فارغ از تحریفات و کاستی‌هایی که ممکن است در متون یهودیت و مسیحیت وجود داشته باشد). در این نگرش، به‌جای شریعت مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، تأکید بر ندای درونی و تجربیات لحظه‌ای صورت می‌گیرد؛ تجربیاتی که از بنیاد ایمانی و وحیانی بی‌بهره‌اند. این رویکرد انسان‌محورانه و فردگرایانه، انسان را از سرچشمه حقیقت دور کرده و به‌سوی انحطاط سوق می‌دهد.

روایت مشرکانه سادگورو از آفرینش

روایت خلقت آفریش در نظر سادگورو به انکار توحید و تحریف خلقت آفرینش انجامیده است. سادگورو در عین انکار یگانگی خدا و مقام قدسی پروردگار، بیان می‌کند: «شیوا، پروردگار خلقت، عاری از هر نوع کارمایی، در شرف تکوین خویش بود. سپس یک نیروی دینامیکی وارد این پوچی شد. او شاکتی بود، بعد فعال پوچی. او به شیوا نزدیک شد و شروع به بازی با او کرد. در تصورات انسان، اولین کارما عملی جنسی است. بنابراین وقتی شاکتی شیوا را تحریک کرد، شیوا با غرشی عظیم از جا برخاست. بعد، حالت لینگا، فرم بیضی‌شکل، به خود گرفت. افسانه یوگا می‌گوید که این اولین فرم خلقت بود. و تمام آفرینش با همان عمل جنسی آغاز شد. اولین عمل جنسی میان شاکتی و شیوا، فضای خالی را با پویایی خلقت نگهداری و روشن کرد.» (سادگورو، کارما، ص ۹۷)



تناسخ در کلام سادگورو

تناسخ در اصطلاح که از آن به تقمص نیز تعبیر می‌شود (Metempscose)، عبارت است از انتقال نفس ناطقه از بدنی به بدنی دیگر در دنیا برای تحمل کیفر یا برخورداری از پاداش اعمال پیشین و رسیدن به کمال. (ملاصدرا، المظاهر الالهیه، ص ۹۰، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۷ش.) این انتقال روح از جسمی به جسمی دیگر ممکن است انسان یا حیوان باشد.

سادگورو در رابطه با نتوانستن تقدیس دهیانالینگا اشاره می‌کند به مسأله تناسخ. «وقتی سادگورو سری برهما بودم و شرایط زندگی باعث شده بود نتوانم ماموریتم را برای تقدیس دهیانالینگا ادامه دهم، در بدن یک کودک یوگی قرار گرفتم که بدنش را قبلا ترک کرده بودم. مدتی هر دو بدن را با هم مدیریت و بیهوده تلاش می‌کردم دهیانالیگا را مدیریت کنم. این کار را به این دلیل انجام می‌دادم که می‌دانستم حالت فیزیکی برای بدن سادگورو سری برهما در چند ماه بعدی به پایان خواهد رسید.» (سادگورو، کارما، ص ۲۱۴)

براساس اصول اعتقادی اسلام، انسان تنها یک بار در این دنیا زندگی می‌کند و پس از مرگ وارد مرحله‌ای به‌نام برزخ می‌شود تا روز قیامت. آموزه‌های اسلامی تأکید دارند که مرگ پایان دوران دنیوی بوده و هر انسانی در روز حساب براساس اعمال خود پاداش یا مجازات خواهد شد. تناسخ از نظر اسلام غیرقابل پذیرش است، زیرا این عقیده با مفهوم عدالت الهی و آموزه‌های معاد در تضاد است. همچنین پذیرش تناسخ باعث می‌شود چرخه تکلیف‌پذیری انسان‌ها بی‌پایان شود و هدف آفرینش زیر سؤال برود.

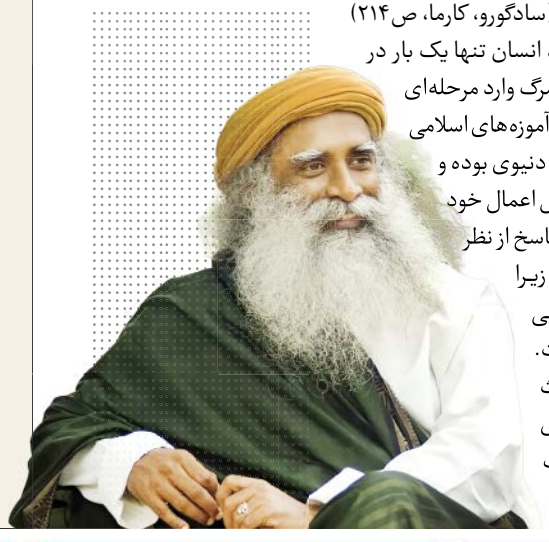

در عرفان اسلامی رعایت و عمل دقیق به شریعت شرط اصلی برای دستیابی به حقیقت دانسته شده است

کلمات

شب‌های روشن



حسین شرفخانلو
نویسنده

آذر و دی سال ۱۴۰۲ بود گمانم. دوستی مجازی زنگ زد که می‌خواهیم مجله‌ای دربیاوریم و موضوع شماره نخستش «پرچم» است و یک متن دو، سه‌هزار کلمه‌ای برای مجله‌مان ـ که آن روزها هنوز متولد نشده بود ـ بنویس. نوشتم و تا مجله به دنیا بیاید و به دست‌مان برسد، یک سال بیشتر طول کشید. «کلمه» در پاییز ۱۴۰۳ به همت حوزه هنری انقلاب اسلامی به دنیا آمد و چراغ اولش را به نام نامی «پرچم» روشن کرد. ایده‌ای جذاب که قبلا نمونه‌اش را نداشتیم و تیم مجله که هیچ‌کدام را جز آن دوست رابط، از قبل نمی‌شناختم، را حرفه‌ای یافتم در تولید و پردازش ایده‌ای که جذاب بود. بخش‌ها و فصول مجله هم جالب بود؛ من، او، ما، آنها و تو ... و هر بخش یک سردبیر داشت که روایت هر بخش را راجع به پرچم، جمع و پالایش کرده بود. یعنی چند روایت با ضمیر اول‌شخص (من) از پرچم، چند روایت از ضمیر دوم‌شخصی و الی آخر.

روایتی که من نوشته بودم، روایت اول‌شخص بود؛ یعنی در پرونده «من» دسته‌بندی شده بود و قصه آن اولین باری بود که برای سفر اربعین در سال ۱۳۹۴ پرچم مزار پدرم را با چوبش حمایل کرده بودم در کوله‌پشتی‌ام و اتفاقاتی را که در مسیر برای آن پرچم رنگ و رو رفته افتاده بود، را روایت کرده بودم و طوری که شبی از شب‌ها، چند ماه بعد از انتشار شماره نخست و خیلی اتفاقی با مدیران مجله در ضاحیه بیروت همنشین شدم، شنیدم که روایت من از جمله روایت‌هایی بود که بازخورد خوبی از مخاطب گرفت و البته همان‌طور که بالاتر عرض شد؛ ایده و اجرای این کار، بدیع و جذاب بود. شماره دوم را به «شب» اختصاص دادند و گروه دوستان دست‌اندرکار مجله، افتادند پی نوشتن و جمع‌کردن خرده‌روایت‌هایی با موضوع جذاب شب که در نثر و شعر و ضرب‌المثل‌ها، هزارهزار بار تکرار شده و قطعا پرداختن به آن خصوصا به‌صورت «روایت شخصی» می‌توانست جالب باشد که همین هم شد. شماره دوم با رنگی که به آسمان شب پرستاره پهلو می‌زد، اواخر فروردین منتشر شد و تا بیاید و به دست من شهرستانی دور از مرکز برسد، اردیبهشت از نیمه گذشته بود. «کلمه» روایت زندگی است و صاحبانش معتقدند «کلمه آغاز گفت‌وگوست» و این یعنی هدف ثانویه دوستان هم خوب جایی را نشانه رفته است؛ فقر روایت به فقر گفت‌وگو منجر می‌شود و جامعه بدون گفت‌وگو قدم به قدم به برهوت و دوزخ نزدیک و نزدیک‌تر است.

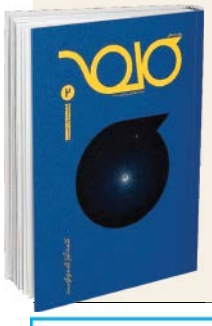

اصل سند، برگ سبز، برگ کمپانی، کارت خودرو وانت نیسان ۲۴۰۰ آبی مدل ۱۳۸۸ به شماره انتظامی ۱۵ایران ۵۲۵ ط ۴۹ به شماره موتور 522152 و شماره شاسی NAZPL140TIM229973 به‌نام الهامه ایرانی مفقود گردیده وفاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز و برگ‌کمپانی خودرو سمند LX مدل ۱۳۹۸ رنگ سفید روغنی با شماره موتور 124K1301133 و شماره شاسی NAAC91CE9KF552136 و شماره پلاک ۳۵ د ۴۳۵ ایران ۳۰ به‌نام حیدر علی خالصه دهقان مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز (شناسنامه) سواری ام وی ام ایکس ۲۲ ام تی مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۴۹۳ ج ۴۳ ایران ۷۵ به شماره موتور MVMD4G15BAFG010844 و شماره شاسی NAFBAAV8G1009925 مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی تشکیل مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده
از کلیه سهامداران شرکت اعتماد پرتو به شماره ثبت ۵۸۷۹۷۴ و شناسه ملی ۱۰۷۸۰۰۶۱۵۸۰ دعوت به عمل می آید در ساعت ۸ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۷ جهت انتخاب هیات‌مدیره و بازرسین و تصویب ترازنامه سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ در محل شرکت واقع در تهران، خیابان سهروردی شمالی، نبش خیابان افشار جوان پلاک ۲، واحد ۸ حضور بهم رسانند.
هیات مدیره شرکت اعتماد پرتو

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب پیام علی رحیمی فرزند احمد به شماره شناسنامه ۱۲۷۰۹۵۶۸۶۸ صادره از اصفهان در مقطع کاردانی رشته نرم افزار کامپیوتر صادره از اصفهان واحد دانشگاهی خورسگان با شماره ۳۰۹۸۹۳۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به خیابان جی شرقی، بلوار ارغوانیه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان - خورسگان ارسال نماید.

سازمان آگهی‌ها روزنامه جام‌جم ۴۹۱۰۵۰۰۰
daneshpayam.agahi@gmail.com